

جرم شدید و یا خفیف نماید مثلاً در مورد توقیف غیرقانونی، قانون جزای فرانسه مجازات مرتکب را به تناسب طول مدت توقیف غیرقانونی، حبس موقت و یا دائم به اعمال شاقه معین کرده است. در قانون مجازات عمومی ایران مجازات توقیف و حبس غیرقانونی طبق ماده ۹۳ سه سال حبس تادیبی و محرومیت از حقوق اجتماعی است ولی اگر مرتکب قبل از تعقیب دادستان شخص توقیف شده را رها کند و مدت توقیف از زائد بر پنج روز نباشد مجازات مرتکب حبس تادیبی از دو ماه الی شش ماه است.

۴ - از لحاظ تأثیر قانون جدید - اگر قانون جزا مجازات جرم مستمر تشدید نماید این قانون نسبت به مدتی که جرم مزبور قبل از توشیح آن دوام داشته تأثیر ندارد زیرا طبق اصول کلی مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نموده. قانون جدید تنها نسبت به آن قسمت از جرم که بعد از توشیح قانون استمرار داشته است قابل اعمال است مثلاً اگر ادامه حیات شخص حقوقی موجود، از طرف قانون ممنوع گردد افراد آن در صورتی قابل تعقیب هستند که پس از توشیح قانون جدید به عملیات خود ادامه دهند و در مقام منحل نمودن آن مؤسسه حقوقی بر نیایند.

۴ - از لحاظ مرجع صلاحیتداری قضائی - مرجع قضائی صلاحیتدار هم از لحاظ داخلی و هم از لحاظ بین المللی باید مورد نظر قرار گیرد.

از لحاظ داخلی ممکن است جرم مستمر در چند استان یک کشور ارتکاب شود در اینصورت چون صلاحیت جزائی محاکم تابع محل وقوع جرم است، هر یک از محاکم جزائی که جرم در حوزه آن واقع شده است برای رسیدگی صالح میباشند. و چون موضوع واحد نمیتواند در آن واحد در چند محکمه قابل طرح باشد، برای رفع اشکال بقاعده سبق، توسل جسته اند باین معنی که اقامه دعوی در یکی از محاکم ذی صلاحیت از سایر محاکم سلب صلاحیت مینماید تا طرح دعوی واحد در چند محکمه که ممکن است موجب صدور احکام متناقض گردد میسر نشود.

از لحاظ بین المللی هم رویه متشابهی اتخاذ شده است بنابراین اگر جرم مستمری

در کشورهای مختلفه بوقوع پیوندد هر يك از این کشورها برای رسیدگی به قضیه صالح میباشند و طرح دعوی در محکمه صلاحیتدار یکی از کشورها از محاکم صلاحیتدار سایر کشورها سلب صلاحیت مینماید. در قراردادهای بین المللی مربوط به خرید و فروش سفید پوستان و جلوگیری از اشاعه و معاملات نشریات مستهجن همین رویه اتخاذ شده است.

۵- از لحاظ اعتبار قضیه محکوم بها - در مورد جرم مستمر چنانچه پس از رسیدگی حکم صادر شود و بعد از صدور حکم، عمل جزائی که مورد حکم قرار گرفته استمرار داشته باشد رسیدگی بآن بلا اشکال است و متهم نمیتواند بانسك باعتبار قضیه محکوم بها صدور حکم را نسبت به مدتی که پس از حکم اول جرم مستمر دوام داشته مانع شود.

ضابطه تشخیص جرم آنی از جرم مستمر - برای تمیز جرم آنی از جرم مستمر لازم است قبلا جرم مستمر را از جرم دائم تفکیک کرد.

جرم دائم ممکن است جرم آنی محسوب شود و در مدت کوتاهی تحقق یابد ولی این خصوصیت را دارد که با وجود خاتمه پذیرفتن عمل جزائی معذلك بطول می انجامد مثل مرتفع نمودن دیواری برخلاف مقررات جزائی. ارتکاب چنین جرمی با اینکه در مدت کوتاهی تحقق مییابد ممکن است مدتی دوام داشته باشد مرور زمان جرم دائم از وقتی شروع میشود که آن جرم تحقق یافته است.

تعیین صفت مشخصه جرائم مستمر، برای تفکیک آن از جرائم آنی، تا اندازه دشوار است. روی همین اشکال است که در مورد آنی یا مستمر بودن جرم سرقت بین علماء اختلاف است. غالب کشورها امروز سرقت را يك جرم آنی میدانند و معتقدند زمانیکه سارق اموال مسروقه را در حیظه تصرف در میآورد جرم سرقت خاتمه میپذیرد در صورتیکه در قرن شانزدهم طبق فرض علمی بارتول (۱) حالت جرمی سرقت تا زمانی که اموال مسروقه در تصرف سارق است مستمر و مداوم تلقی میشده است. ممالک انگلوسا کسن از همین نظر تبعیت کرده سرقت را يك جرم مستمر میدانند. فائده مستمر تلقی شدن جرم سرقت این است که سارق را میتوان در محاکم کلیه مجلهاییکه سارق در موقع اقامت،

اموال مسروقه را در حیطه تصرف داشته است تعقیب نمود. اشکال تشخیص جرائم آنی از مستمر در واقعی است که مقنن از آنها تعریف جامعی نکرده است ولی اگر از جرائم تعریف کاملی شده باشد بهترین ضابطه تشخیص، تدقیق در مفاد تعریف مقنن برای تعیین منظور واقعی او است.

تمیز بین جرم ساده و جرم اعتیادی - جرم ساده در اثر عمل واحد تشکیل میشود برعکس جرم اعتیادی متضمن ارتکاب چند عمل است که بالا نفرد قابل تعقیب نیست بلکه توالی آنها مقنن قابل تعقیب دانسته است مثل عمل شخصی که طبق بند ماده ۲۱۱، جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث بفساد اخلاق و یا شهوت رانی تشویق کند و یا فساد اخلاق و شهوت رانی آنها را تسهیل نماید. جرائم اعتیادی را نباید با جرائم مستمر اشتباه نمود زیرا جرم مستمر عبارت از عمل واحد است که برای مدتی ادامه دارد در صورتیکه جرم اعتیادی عبارت از توالی چند عمل است که حد اقل آن برای تشکیل جرم اعتیادی عدد ۲ میباشد.

فوائد عملی تفکیک جرم ساده از جرم اعتیادی - تفکیک جرم ساده از جرم اعتیادی دارای فوائد زیادی است. اولین فایده آن مربوط به چگونگی تعقیب جنبه خصوصی جرم اعتیادی یعنی زیان وارد شده به مجنی علیه در محکمه جزا است زیرا طرح دعوی خصوصی در محاکم جزا در صورتی امکان پذیر است که بر جرم مدنی اطلاق جرم اعتیادی هم بشود.

یکی از موارد جرم اعتیادی در صورتی است که توالی اعمال ارتکابیه بزبان شخص واحد باشد. ممکن است عکس فرض بالا هم اتفاق افتد باین معنی که هر يك از آن اعمال بزبان اشخاص مختلف منتهی گردد در این صورت با اینکه هر يك از مجنی علیه متضرر شده اند ولی هیچیک نمیتواند دعوی زیان وارد شده بنخود را در محکمه جزا مطرح نماید زیرا بطوریکه ذکر شد در جرم اعتیادی عمل واحد فاقد جنبه جزائی است و تا مرکب از چند عمل متوالی نباشد جرم اعتیادی محسوب نمیشود و بالنتیجه غیر قابل تعقیب است ولی هر يك از متضررین میتوانند زیان خود را در محکمه حقوق تعقیب نمایند.

یکی دیگر از فوائد تمیز جرم ساده از جرم اعتیادی از لحاظ مرور زمان دعوی خصوصی و دعوی عمومی است. در جرم ساده مرور زمان هر دو دعوی واحد بوده و در يك زمان موجب سقوط آندو میشود ولی مرور زمان دعوی عمومی و دعوی خصوصی در جرم اعتیادی وقتی شروع میشود که آخرین عملی که موجب تحقق جرم مزبور میشود بوقوع پیوندد. از ماده ۱۰ اصول مجازات جزائی ایران معلوم میشود که مدت مرور زمان دعوی خصوصی بطور کلی همان مدت مرور زمان معمولی دعاوی حقوقی است و از مدت مرور زمان دعاوی جزائی تفکیک گردیده است و ماده ۱۰ کلیه اسقاط حقوق عمومی بجهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمیشود.

اعتیاد قابل تعقیب - بطوریکه مذکور گردید جرم اعتیادی متضمن چند عمل میباشد که مجموع آن جرم اعتیادی را تشکیل میدهد و آنرا قابل تعقیب میسازد. تعیین تعداد اعمال متوالی که موجب تشکیل جرم اعتیادی میشود از مسائلی است که مورد بحث واقع گردیده است. برای حل این مشکل در کشورهای خارجی راه‌حلهای مختلفی در نظر گرفته شده است. مجاکم قضائی فرانسه از سکوت قانون استفاده کرده توالی دو عمل را کافی دانسته‌اند ولی چیزی که موجب اختلاف هم بین مجاکم قضائی و هم بین علمای حقوق شده این است که آیا اعمال قبلی که بتوالی یکدیگر اتفاق افتاده و بواسطه مدت زمانی بیش از مدت مرور زمان از یکدیگر مجزئی میباشند میتوانند جرم اعتیادی را تشکیل دهند؟ بیشتر مجاکم معتقد به قابلیت تعقیب چنین جرم اعتیادی میباشند زیرا اعمال مزبوره در صورتیکه از یکدیگر تجزیه شوند فاقد جنبه جزائی هستند و در اینصورت مرور زمان نسبت بآنها تأثیر ندارد و نمیتواند آنها را غیر قابل تعقیب سازد ولی بعضی برعکس معتقدند که مشمول مرور زمان میشوند و دیگر نمیتوانند جرم اعتیادی را که قابل تعقیب باشد تشکیل دهند زیرا جایکه مرور زمان موجب سقوط جنبه عمومی جرمی که فراموش شده است بشود بطریق اولی موجب سقوط جنبه عمومی اعمالی میشود که از لحاظ جزائی خفیف تر و بی اهمیت تر هستند.

از لحاظ صلاحیت جزائی، مجاکم فرانسه معتقدند تنها اعمال متوالی او تکابیه

در کشور فرانسه میتواند جرم اعتیادی را تشکیل دهد و آنرا قابل تعقیب سازد و اعمالی که در کشورهای خارجی ارتکاب شده نباید به حساب در آید ولی این رویه قابل انتقاد است زیرا اگر بعضی از اعمال تشکّل دهنده جرم اعتیادی در خارج اتفاق بیفتند دلیل بر خطرناک نبودن مجرم بشمار نمیآید. در بعضی از قراردادهای بین المللی راجع به جرائم مستمره عکس نظر بالا را اتخاذ کرده اند. زیبنده است که همان نظر نسبت به جرائم اعتیادی هم اعمال شود.

تمیز بین جرم اعتیادی و جرم جمعی متحد المقصد - جرم اعتیادی را نباید با جرم جمعی متحد المقصد اشتباه کرد. جرم جمعی متحد المقصد حاوی يك سلسله اعمال متوالی است که فرد فرد و مجموع آن هر يك جرم تلقی میشود مثلاً فرض شود دزدانی چند به خانه ای داخل شوند و بدفعات اثاث البیت خانه مذکور را سرقت نمایند باینکه در هر دفعه که يك قسمت اثاث البیت ربوده میشود يك عمل سرقت واقع میگردد معذالك تمام آن اعمال تحت عنوان جرم واحد تعقیب میشود. امری که موجب وحدت آن اعمال میگردد این است که تمام از نیت واحد سرچشمه گرفته اند و در موقع ارتکاب اعمال متوالی مذکور وحدت مقصد بین مباشرین جرم وجود داشته است. چنین جرمی را جرم جمعی متحد المقصد مینامند. وصف جرم جمعی متحد المقصد مبتنی بر رعایت دو عنصر مادی و معنوی جرم میباشد. قانون جزایی ۱۹۲۶ و نزواتلادر ماده ۹۹ و قانون ۱۹۳۸ کوبا در ماده ۲۳ و قانون جزای کلمبی در ماده ۳۲ جرم جمعی متحد المقصد را تحت عنوان جرم واحد قابل تعقیب میدانند.

تمیز بین جرائم مقید و جرائم مطلق - جرائم را از لحاظ عنصر مادی و عنصر قانونی بجرائم مقید و جرائم مطلق تقسیم کرده اند. جرم وقتی مقید است که مقنن در موقع تعریف جرم نتیجه حاصل از جرم ارتکابی و زیان وارد شده به مجنی علیه را یکی از عوامل تشکّل دهنده جرم فرار دهد مثل جرم قتل که وقتی تحقق مییابد که بفوت مجنی علیه منتهی گردد غالب جرائم پیش بینی شده در قانون جزا بصورت جرائم مقید میباشد.

برعکس استثناء^۲ جرائمی یافت میشوند که مقرر آنرا قبل از حصول نتیجه مطلوب مجرم ، انجام شده تلقی کرده است این قبیل جرائم را جرائم مطلق مینامند . قانون فرانسه جرم مسموم ساختن اشخاص را يك جرم مطلق تلقی کرده است زیرا همینکه مواد مسموم کننده از طرف مجنی علیه جذب گردید اعم از اینکه موجب فوت او بشود یا نشود ، اقدام مسموم کننده را يك عمل سوء قصد بجان تلقی کرده است . ندره تقسیم جرائم به جرائم مقید و جرائم مطلق از لحاظ شروع با اقدام آشکار میگردد که بمبدأ در مورد آن بحث وافی بعمل خواهد آمد .

تمیز بین جرائم مشهود و جرائم غیر مشهود - بادر نظر گرفتن عنصر مادی و عنصر قانونی ، جرائم را نیز بجرائم مشهود و جرائم غیر مشهود تقسیم مینمایند . جرم مشهود بطور کلی عبارت از جرمی است که مرتکب در حین ارتکاب غافلگیر شده و دلائل ارتکاب در همان اوان در دسترس قرار میگیرد . جرم غیر مشهود بر عکس جرمی است که پس از مضمی مدتی ، بآن وقوف پیدا مینمایند قطعیت دلائل جرائم غیر مشهود بالنسبه بجرائم مشهود کمتر و خفیف تر است .

عنوان جرم مشهود و جرم غیر مشهود صور مختلفه دارد که نسبت بموارد فرق پیدا میکند و چون بحث آن مربوط بسائین دادوسی کیفری است از ذکر آن خودداری میشود .

گفتار چهارم

طبقه بندی جرائم از لحاظ عنصر معنوی

تقسیم جرائم از لحاظ رکن عمد - سابقاً متذکر شدیم که یکی از تقسیمات مهمه جرائم مبتنی بر رکن عمد است و از این حیث جرائم را باقسام زیر تقسیم نموده‌اند :

۱ - جرائم عمدی که معرفت عامل در جرم بودن عمل ارتكابی مفروض است جنایات و غالب جنحه‌ها از جرائم عمدی محسوب میشود .

سوء نیت و بی احتیاطی گاهی باهم جمع میشوند و آن در مورد « جرم فوق عمدی » میباشد (۱) که بعضی از قوانین خارجی آنرا پیش بینی کرده‌اند . جرم مزبور عبارت از جرمی است که در اثر عدم مهارت عامل نتایجی بیار می‌آید که خارج از قصد و نیت او بوده است . قانون جزای ۱۹۳۸ کوبا مجازات چنین جرمی را بهمان اندازه معین میکند که عامل واقعاً قصد ارتكاب کلیه نتایج حاصله را داشته باشد ؛ ولی میزانی را که باید بر عامل تحمیل گردد از $\frac{1}{4}$ الی $\frac{1}{2}$ تخفیف میدهد . در قانون مجازات عمومی ایران ماده ۱۷۵ میتواند برای « جرم فوق عمدی » مثال واقع شود « ماده ۱۷۵ : هرگاه در اثنای منازعه که چند نفر بخصوصی در آن شرکت داشته‌اند قتل یا جرح یا ضرب واقع شود و مرتکب شخصاً معلوم نباشد ، هر یک از آنها در صورت وقوع قتل به یک الی سه سال و در صورت وقوع جرح به سه ماه الی یکسال و در صورت وقوع ضرب به سه الی ششماه حبس تأدیبی محکوم میشود »

۲ - جرائم ناشی از بی احتیاطی که بدون رکن سوء نیت تشکیل میشود ؛ در این قبیل جرائم وجود خطا همیشه مفروض است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود ، اگر

سختاً مثبت باشد آنرا بی احتیاطی و اگر منفی باشد آنرا بی مبالاتی مینامند .

۳ - جرائم مادی که عموماً بجرائم خلافی اطلاق میشود ؛ هر گاه ارتکاب جرم مادی مسلم گردد بدون اینکه اثبات قصد سوء عامل و یا خطای او ضرورت داشته باشد قابل تعقیب است .

صفت ممیزه جرائم مادی را آسانی نمیتوان تشخیص داد ؛ بعضی بیشتر جرائم خلافی را متصف باین عنوان کرده اند و برخی دیگر جرائم ترك فعل را که مجازات آن بالنسبه خفیف باشد جرم مادی دانسته اند ولی هیچیک از ایندو ضابطه ، ارزش مطلق و پایدار ندارد و چنانچه جرائم مادی را جرائم مربوط به تدابیر انضباطی یعنی منع های صریحی که با نظم عمومی تماس دارد و در موارد معینه مقرر میگردد بدانیم ، بیشتر مقرون بحقیقت است .

تقسیمات دیگر - از لحاظ عنصر معنوی ممکن است جرائم را به تقسیمات دیگر از قبیل جرائم مرتبط و جرائم مرکب و جرائم عمومی و جرائم سیاسی تقسیم نمود .
جرائم مرتبط - اعمال جزائی ذیل را جرائم مرتبط مینامند :

- ۱ - چند نفر بحال اجتماع مرتکب جرم میشوند .
- ۲ - اشخاص مختلف در زمان و مکان متفاوت مرتکب جرم میشوند ولی قبلاً بین آنان برای ارتکاب آن مواضعه بعمل میآید .
- ۳ - اشخاص مختلف که مرتکب جرم میشوند ولی نقش های مختلف را عهده دارند بعضی مباشرت دارند و برخی دیگر وسائل را تهیه کرده و یا ارتکاب جرم را تسهیل نموده و یا بالاخره تمام یا يك قسمت اشیاء ربوده شده را مخفی میسازند .

ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی را میتوان یکی از مصادیق جرم مرتبط دانست زیرا در موقع ارتکاب این جرم مجموعه اعمال و توالی آن که باهم اتفاق افتاده بیکدیگر مرتبط میباشد ، ماده ۱۷۵ : هر گاه در اثنای منازعه که چند نفر بخصوص در آن مشارکت داشته اند یا جرح یا ضرب واقع شود و مرتکب شخصاً معلوم نباشد هر يك از آنها در صورت وقوع قتل بيك الى سه سال و در صورت وقوع جرح

بسه ماه الی یکسال و در صورت وقوع ضرب بسه الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم میشود .

یکی دیگر از موارد جرم مرتبط عبارت از وضع مجرمی است که در ضمن ارتکاب جرم مورد نظر خود ناگزیر میشود جرمی دیگر مرتکب شود مثل شخصی که مرتکب دزدی میشود و برای نداشتن شاهد مزاحم ناگزیر میشود شخصی را که ناظر سرقت او بوده است بقتل رساند ؛ اعمال او عنوان جرم مرتبط را حائز میباشد .

فائده تشخیص جرائم مرتبط از لحاظ صلاحیت و آئین دادرسی کیفری است چنانچه اشخاص در ارتکاب جرم وحدت نظر داشته باشند بهتر است بجرائم آنها در ضمن يك محاکمه رسیدگی شود .

مسلم شدن عنوان جرم مرتبط ، بر عملی ممکن است استثناء در اندازه مجازات آن مؤثر باشد . مثلاً طبق قانون مجازات فرانسه اگر کسی در ضمن سرقت برای تسهیل آن ناگزیر بارتکاب قتل شود مجازات اعدام جایگزین مجازات حبس ؛ اعمال شاقه میگردد .

تمیز بین جرم مرتبط و جرم جمعی متحد المقصد - جرم مرتبط و جرم جمعی متحد المقصد با اینکه مشابه هستند معذلك از یکدیگر متفاوت میباشند .

الف - در جرم جمعی متحد المقصد صحبت از يك سلسله اعمال متوالی است که طبع واحداً دارند در صورتیکه در جرم مرتبط اعمال ارتکابی ممکن است مختلف الطبیعه باشند مانند سرقت و قتل .

ب - در جرم جمعی متحد المقصد همیشه اعمال ارتکابی متقارن ؛ یکدیگر میباشند ولی در جرم مرتبط ممکن است بین آنها تقارن وجود نداشته باشد .

جرائم مرکب - از اصطلاح جرم مرکب تفاسیر مختلفی پذیرفته شده است :

۱ - جرمی که متضمن عملیات متفاوت الطبیعه و متوالی است و مجموع آن جرم واحدی را تشکیل میدهد مانند کلاهبرداری که مرتکب ابتداءً بوسائل تقلبی متوسل میشود و سپس وجوه یا اسناد و بلیطها و قبوض و مفاصا حساب بدست میآورد .

۲ - عمل نامشروعی که موجب ارتکاب چند عمل جزائی میشود مانند شخصی که با يك شلیك تفنگ چند نفر را مقتول میسازد و یا عمل واحد که مشمول چند ماده قانون جزا میشود مانند کلاهبرداری که بوسیله جعل انجام میپذیرد .

۳ - عمل نامشروعی که اگر صورت مادی آن در نظر گرفته شود در عداد جرائم عمومی و برعکس اگر منظور مرتکب مطمح نظر واقع گردد در عداد جرائم سیاسی تلقی می شود مانند قتل رئیس مملکت .

تمیز بین جرائم سیاسی و جرائم عمومی - تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عمومی متضمن فوائد بسیار است .

مزیت خاصه جرم سیاسی این است که افکار عمومی مرتکبین آنرا تا حدی از اغماض خود بهره مند میسازد . کمال مطلوب مجرمین سیاسی که گاهی حتی جان خود را فدای آن میکنند و مخصوصاً انگیزه بی آلاش و بی عرضانه آنها که محرک کلیه اقدامات آنها بشمار میآید ، چنین اغماضی را ایجاد میکند . باینکه غالب قوانین تا اندازه ای از این عقیده تبعیت کرده اند شاید صحیح نباشد که برای آن يك ارزش مطلق و عمومی قابل شد و بهتر است بادر نظر گرفتن ملاحظات زیر آنرا قبول نمود .

۱- از نظر منفعت اجتماعی چگونه ممکن است حالت خطرناکی مجرمین سیاسی را منکر شد ، جرائم ارتکابی آنان نه فقط نظم عمومی را مختل میسازد بلکه پیر و اختلال نظم عمومی ، جرائم ارتکابی علیه اشخاص و اموال روز افزون میگردد زیرا زیان بر منافع عمومی پیوسته آمیخته با جریحه دار شدن منافع خصوصی است .

۲ - از لحاظ اخلاقی و معنوی قبول داعی بیعرضانه برای مجرمین سیاسی در غالب موارد مشکل بنظر میآید ؛ زیرا دسیسه پیشگانی یافت میشوند که غرائز حیوانی از قبیل حس انتقام و حرص و آرزو و جاه طلبی خود را بسکوت جانفشانی برای وطن و تأمین سعادت آن ملبس مینمایند . علاوه بریکدسته از مجرمین سیاسی هستند که افکار عمومی و قوانین مملکتی و حتی سنت باستانی قادر نیست اغماضات معمول به در مورد مجرمین سیاسی را نسبت بانان اعمال نماید مانند خائنین بوطن و جاسوسان .

اطلاعات تاریخی - سر نوشت مجرمین سیاسی تا واسط سده نوزدهم -
 ملاحظات متضاده فوق الذکر در ادوار تاریخی موجب شده که رویه متفاوتی نسبت
 به مجرمین سیاسی اتخاذ شود و فقط از واسط قرن نوزدهم است که رژیم ممتاز مجرمین
 سیاسی آغاز میشود .

قبل از شورش فرانسه تمیزی بین مجرمین سیاسی و غیر سیاسی وجود نداشت
 در آخر سده هیجدهم بکار یا که همواره خود را مخالف مجازات اعدام نشان میداد
 در موقع تشنجات سیاسی اعمال آنرا مجاز دانسته است . در زمان شورش فرانسه تدابیر
 شدیدی نسبت به مهاجرین سیاسی اتخاذ شد . در ۱۸۱۰ مقرر فرق بین جرائم سیاسی
 و جرائم عمومی را اندکی روشن ساخت ولی نسبت به جرائم علیه حکومت تدابیر
 شدیدی اتخاذ کرد و جرم خاصی را تحت عنوان «دسته بندی» که در واقع يك عمل مقدماتی
 است قابل تعقیب دانست و جرم عدم افشاء اقدامات برضد امنیت داخلی کشور را که يك
 جرم ترك فعل است وضع نمود و برای کلیه مرتکبین جرائم مربوط به امنیت داخلی
 و یا خارجی کشور يك مجازات تکمیلی اجباری که عبارت از مراقبت پلیس باشد
 پیش بینی کرد مجازات مزبور در ۱۸۸۵ به منع اقامت تبدیل گردید .

بعدها تغییراتی در افکار پدید آمد . مؤسس این تحول فرانسوا گیزو (۱) بود
 که کتابی هم راجع به مجازات اعدام در مورد جرائم سیاسی تدوین کرده است در زمانی
 که تشنجات سیاسی خیلی زیاد بود و انقلابات و طغیانها پشت سر هم واقع میشد مجرمین
 سیاسی در اثر القاء فکری و الهام مکتب شو کلاسیک اریک رژیم ممتاز برخوردار شدند

فوائد حاصله از تقسیم جرائم به جرائم سیاسی و غیر سیاسی یا عمومی

۱ - طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی رسیدگی به جرائم سیاسی در
 حضور هیئت منصفه بعمل میآید الزام شرکت هیئت منصفه برای این است که مجرمین
 سیاسی دستخوش امیال و اغراض قضاتی که وابسته بدولت هستند نگردند .

۲ - مجرمین سیاسی معاف از کار میباشند بعلاوه طبق قوانین جزائی بعضی از

ممالك مكلف به پوشیدن لباس مخصوص مجرمین نیستند .

۳ - در قانون جزای فرانسه محکومیت از لحاظ ارتکاب جرم سیاسی نمیتواند مجرم سیاسی را در موقع ارتکاب جنحه عمومی از تعلیق محروم سازد . بعلاوه اگر در اثر ارتکاب جنحه ، محکمه اجرای مجازات را نسبت به شخص معلق کرده باشد و بعداً این شخص مرتکب جرم سیاسی شود حکم اولی نسبت باو اجرا نخواهد شد .

۴ - عفو عمومی که برای آرامش افکار پیش بینی شده بیشتر در مورد جرائم سیاسی و یا جنحه و جنایات عادی که در اثناء انقلابات سیاسی واقع میشود بتصویب میرسد .
۵ - طبق قانون جزای بعضی از ممالك آئین دادرسی مربوط به رسیدگی جرم مشهود نسبت به مجرمین سیاسی اعمال نمیشود .

۶ - مجرمین سیاسی معاف از استرداد هستند و این قاعده طبق يك سنت بین المللی تثبیت گردیده است .

۷ - توقیف شخص در مسائل جزائی بعنوان ضمانت اجراء برای تأدیة جریمه و خسارت نسبت به مجرمین سیاسی اعمال نمیکردد .

۸ - طبق ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی احکام تکرار جرم نسبت به مجرمین سیاسی اعمال نمیشود و ماده ۲۶ : احکام تکرار جرم در باره اشخاصی که بواسطه ارتکاب جرم سیاسی محکوم شده اند جاری نخواهد بود .

۹ - مدت لازم برای نبل مجرمین سیاسی باعاده حیثیت کمتر از مرتکبین جرائم عمومی است «ماده ۵۹ : اگر اشخاصیکه برای ارتکاب جرم سیاسی محکوم به حبس تأدیمی میشوند در ظرف یکسال از تاریخ اتمام مجازات و اشخاصی که برای ارتکاب همان جرم محکوم به مجازات جنائی میشوند در ظرف پنجسال از تاریخ اتمام مجازات مجدداً محکومیت جنائی نداشته باشند باعاده حیثیت نائل شده و محکومیت آنها از سجل جزائی محو خواهد شد .

تغییر کلی - دوره معاصر شاهد يك تغییر عمیق و بعبارة آخری واژگونی مزایای مجرمین سیاسی است . این تحول را باید مستند به پیدایش ادراکات جدید نمود که

بکلی مباین با اصول استقلال فردی (۱) میباشد. طرفداران افکار نو معتقد شدند که منافع خصوصی اشخاص را در مقابل منافع عمومی باید نادیده انگاشت و هر وقت مقتضی باشد آنرا فدای منافع اجتماعی نمود. بنظر طرفداران مکتب جدید اعمالیکه علیه حکومت و تشکیلات مملکتی بوقوع میپیوندد سهمناکترین و خطرناکترین جرائم را تشکیل میدهد.

این قبیل ادراکات در ایتالیا و آلمان و شوروی نیز ظهور کرد و نسبت به مجرمین سیاسی که سابقاً دارای امتیاز بودند رویه شدیدی اتخاذ شد. در ایتالیا مجازات اعدام که در ۱۸۸۹ لغو گردیده بود در مورد سوء قصدهای سیاسی مجدداً برقرار گردید. قانون جزای ۱۹۳۰ کشور مزبور تحت عنوان اقدامات برضد «شخصیت کشور» کلیه عملیات برضد امنیت داخلی و یا خارجی کشور را پیش بینی کرده و با یک شدت استثنائی تعیین مجازات نموده است. قانون مزبور استرداد مجرمین سیاسی را بشرط معامله متقابل قبول کرده است. در آلمان قوانین جدید مخصوصاً قانون ۱۹۳۴ که برای حمایت حزب ناسیونال سوسیالیست تنظیم گردید منبث از همین فکر بود. در روسیه شوروی سوسیالیستی قوانین ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶ مجازات جرائم برضد طبقه حاکمه کارگران و دهقانان را بیش از جرائم عمومی خیلی مهم مانند قتل معین کرده است. در ۱۹۱۸ در فرانسه هم در اثر فشار مقتضیات، نسبت به مقدمین برضد امنیت خارجی کشور مجازات ضبط عمومی اموال مجرمین سیاسی را که از مدتها قبل ملغی شده بود مجدداً وضع نمودند. مجازات مزبور با اینکه نسبت به اقوام و خویشاوندان مجرم ظالمانه است طرفداران زیادی پیدا نمود و بالاخره مجدداً رایج گردید. در قوانین مطبوعاتی هم نسبت به مجرمین سیاسی تغییراتی ظاهر شد باین معنی که موارد جرائم سیاسی تقلیل یافت و بالنتیجه از صلاحیت دیوان جنائی که محکمه صلاحیتدار برای جرائم سیاسی بشمار میامد کاسته شد و بر صلاحیت محکمه جنحه که بدون شرکت هیئت منصفه بجرائم رسیدگی میکند افزوده گردید. تجدید جرائم سیاسی که مبداء افول مزایای

مجرمین سیاسی است قبل از تحول جدید بوقوع پیوست . مقنن و محاکم قضائی چون منوجه خطر آثار اعمال مجرمین سیاسی شدند حتی المقدور سعی کردند موارد جرائم سیاسی را تقلیل دهند تا مرتکبین آن نتوانند از مزایای مجرمین سیاسی برخوردار گردند .
خصائص بارزه جرم سیاسی - تعیین ضابطه برای تشخیص جرم سیاسی از جرم عمومی یکی از مسائل مهمه و بسیار دقیق حقوق جزا است .

حل قضیه از جهت اختلاف نظری که بین کشورهای آزادمنش و کشورهای قدرت طلب وجود دارد مشکل است . ممالک دسته اول معتقدند که مجرمین سیاسی باید از رفتار و مماشات ممتازی بهره‌مند گردند و منافع اجتماعی اقتضاء میکند که مفهوم جرم سیاسی خیلی محدود و مضیق باشد ولی قسمت اول این نظر به مورد قبول کشورهای دسته دوم واقع نشده است در فرانسه نیز حل قضیه از جهت مراجع مختلفی که باید تصمیم اتخاذ کند معضل شده است برای تعیین صیغه سیاسی احکام محکومیت‌های صادره و با محکومیت‌هایی که در آینده باید صادر شود دیوان جنائی و یا محکمه جنحه و داخله میکند ولی اگر حکم مجازات در مورد مقصر حبس تأدیبی باشد اداره محابس باید نسبت بامکان استفاده مقصر از رژیم ممتاز سیاسی تصمیم اتخاذ کند و بالاخره در موقعی که استرداد يك مقصر فراری تقاضی میشود قانون ۱۹۲۷ هیئت اتهامیه را که جزء محاکم استینافی است موظف کرده تصمیم اتخاذ کند .

در قانون مجازات عمومی ایران جنحه و جنایاتی که مضر به مصالح عمومی است از جنحه و جنایات نسبت بافراد تفکیک شده است ولی این تقسیم اساسی را نباید با تقسیم جرائم به جرائم سیاسی و جرائم عمومی اشتباه کرد و آن‌دورا کاملاً با یکدیگر منطبق دانست زیرا در بین جنحه و جنایات مضر به مصالح عمومی جرائمی مانند جعل و تزویر و ضرب سکه قلب و اختلاس یافت میشود که در عداد جرائم مضره به مصالح عمومی بشمار می‌آید در حالیکه بر آنها عنوان جرائم سیاسی هرگز اطلاق نشده است .

در ممالکی که مجازات جرائم عمومی از مجازات جرائم سیاسی مجزا است ممکن است مجازات را ضابطه برای تشخیص جرم سیاسی از جرم غیر سیاسی قرار داد ولی

در قانون مجازات عمومی ایران که برای ایندو نوع جرم يك مجازات معين شده است نمیتوان با در نظر گرفتن مجازات ، جرائم سیاسی را از جرائم غیرسیاسی تمیز داد

مفهوم جرم سیاسی در نزد علمای حقوق - دو عقیده متضاد در نزد علمای حقوق موجب پیدایش دو سیستم مختلف یعنی سیستم بیرونی (۱) و سیستم درونی (۲) شده است .

در سیستم بیرونی ، برای تعیین طبع جرم به زیانی که در اثر ارتکاب جرم وارد می آید نظر میافکنند بدین ترتیب که هر گاه به حیات و یا تشکیلات حکومت ضربه و گزند وارد آید آنرا جرم سیاسی مینامند در کنفرانس بین المللی که در ۱۹۳۵ در کپنهاگ برای توحید قانون جزا تشکیل شد بطریق ذیل از جرم سیاسی تعریف شده است .

« جرم سیاسی عبارت از جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و یا مباین حقوق ناشیه از آن برای افراد ، ارتکاب میشود ،

حقوق جزای ایتالیا که رویه شدیدی نسبت به مجرمین سیاسی اتخاذ کرده هر دو نظر را باهم جمع کرده است طبق حقوق جزای مزبور هر جرمی که به منافع سیاسی حکومت و یا به حقوق سیاسی اشخاص لطمه وارد آورد جرم سیاسی محسوب میشود همینطور جرم عمومی که ارتکاب تمام یا يك قسمت آن منبث از عللی باشد که جنبه سیاسی داشته باشد در عداد جرائم سیاسی قلم میبرد .

برعکس طبق سیستم درونی بهیچوجه بامور خارجی و نتایج مادی و محسوس حاصل از آن نظر افکنده نمیشود بلکه عامل جرم مطمع نظر قرار میگیرد و به عبارتی آخری انگیزه مجرم در ارتکاب جرم مورد نظر واقع میشود و اضمین سیستم درونی اشخاصی را که مستقیماً به منافع حکومت لطمه وارد میآورند ولی داعی آنها از امیالی که جنبه خود پسندی دارد از قبیل حرص و حقد سرچشمه میگیرد مجرم سیاسی محسوب نمیدارند . برعکس اشخاصی که اقداماتشان بدون اینکه صریحاً حیات و تشکیلات

حکومت را بخطر اندازد از انگیزه ای که جنبه عمومی و بیغرضانه داشته باشد الهام گیرد مانند انارشیت ها و کومونیستها، مشابه مجرمین سیاسی دانسته و آنها را با اسم مجرمین سیاسی و اجتماعی (۱) نامیده اند.

مفهوم جرم سیاسی در حقوق فرانسه - نسبت بجرائم کاملاً سیاسی یعنی جرائمی که مشمول مفهوم بیرونی جرم سیاسی واقع میگردد و مستقیماً و بالاخص حیات و تشکیلات و طرز اداره حکومت را تهدید میکند و یا اینکه بحقوق اساسی افراد لطمه وارد میآورد هیچ اشکالی وجود ندارد ولی اشکالاتی در مورد جرائم مرکب و مرتبط با جرائم سیاسی یعنی جرائمی که در ضمن به منافع خصوصی افراد و یا منافع اجتماعی لطمه وارد میآورد موجود است. علاوه در قوانین جدیده نسبت به مقدمین بر ضد امنیت خارجی که جرم کاملاً سیاسی است رویه خاصی اتخاذ شده و آنرا از رژیم معمولی مجرمین سیاسی مستثنی کرده اند.

جرائم مرکب با جرائم سیاسی - اینک باید دید که چه عنوانی میتوان برای این قسم جرائم مرکب قائل شد؟ آیا این قبیل جرائم که به منافع خصوصی افراد خلل وارد میآورد ولی انگیزه عامل آن سیاسی است جرائم سیاسی محسوب میشوند و یا باید در عداد جرائم عمومی بشمار آیند؟

در صورتیکه جرائم ارتكابی کاملاً مرکب باشد مانند سوء قصد بحیات رئیس مملکت محاکم فرانسه آنرا جرم عمومی تلقی کرده و بهمین جهت مجازات اعدام را که اختصاص بجرائم عمومی دارد برای آن تجویز میکنند. در بسیاری از قراردادهای استرداد، ماده ای باسم « ماده سوء قصد » (۲) وجود دارد که استرداد این قبیل مجرمین را متعاقبین قبول مینمایند و این خود میرساند که جرم مرکب کامل یک جرم سیاسی نیست زیرا در صورت سیاسی بشمار آمدن آن استرداد مقصر باید میسر نباشد.

پس از جعل بلیطهای بانک دو فرانس (۳) در هنگری بمنظور متزلزل ساختن

۱ - Criminels « politico-sociaux »

۲ - Clause d'attentat.

۳ - Banque de France

اعتبار کشور فرانسه، در ۱۹۲۹ يك کنفرانس بين المللی تحت حمایت مجمع انفاذ ملل در ژنو تشکیل گردید طبق مدلول پیمانگی که باامضاء رسید جعل و نشر بلیطهای بانکی بهر نیتی که ارتکاب شده باشد مخصوصاً از لحاظ استرداد، جرم عمومی محسوب میشود این تصمیم ناشی از همبستگی مالی است که بین ممالک مختلفه وجود دارد.

جرائم مرتبط با جرم سیاسی - جرم مرتبط را نباید با جرم مرکب اشتباه نمود جرم مرتبط عبارت از جرمی است که بواسطه رابطه علیت با جرم سیاسی مربوط میشود مثل اینکه عده متجاسر سیاسی بخواهند بجبر وارد کاخ دولتی شوند و برای موفقیت در این امر دکان اسلحه فروشی را تاراج نمایند. تاراج بنفسه يك جرم عمومی بشمار میآید ولی در این قضیه این بحث پیش میآید که آیا با ارتباطی که با جرم مورد نظر متجاسرین دارد میتوان آنرا جرم سیاسی دانست؟ راه حلهای مختلفی پیشنهاد شده است ولی بهترین راه حل که مورد قبول مؤسسه حقوق بین المللی هم واقع شده این است که آنرا جرم سیاسی محسوب دارند: « جرائم مرکب و یا مرتبط با جرائم سیاسی، جرائم سیاسی تلقی میشوند مشروط بر اینکه از لحاظ اخلاق و حقوق عمومی خیلی شدید و هولناک نباشند مانند قتل و مسموم ساختن و قطع عضو بدن و جرحهای صبارادی که قبلاً تصمیم بر ارتکاب آن گرفته شده و شروع با اقدام این جرائم و آسیب رساندن از راه حریق و انفجار و طغیان آب باملاک و سرقت مسلحانه، بطوریکه ملاحظه میشود راه حلی را که برای تمیز جرم سیاسی از جرم عمومی در نظر گرفته اند بسا هیچیک از دو نظریه بیرونی و درونی تطبیق کامل نمیکند بلکه تأییر جرم ارتكابی را در افکار عمومی میزان تشخیص قرار داده اند باین معنی که اگر عمل مزبور تنفر عمومی را برانگیزد و احساسات قاطبه مردم را آشفته کند آن جرم عمومی میدانند.

مؤسسه بین المللی برای تشخیص اعمالیکه در ضمن شورش و یا جنگ داخلی ارتکاب میشود از قواعد معمول به در حقوق بین المللی عمومی تبعیت کرده است طبق این قواعد هر گاه اعمال ارتكابی را رسوم و عادات نظامی تشریح و تحلیل کند آنرا در عداد جرائم سیاسی می شمارند.

جرایم اجتماعی - جرائم اجتماعی از لحاظ اینکه آثار حاصله از انگیزه مرتکبین آن عمومی است و روی ادعای تأمین منافع قاطبه مردم ارتکاب شده با جرائم سیاسی شباهت دارد و دولتی خصیصه جرم اجتماعی این است که ارتکاب آن منتهی بواژ گونی تشکیلات اجتماعی شود بنحوی که بتوان آنرا مستقل از شکل سیاسی حکومتها تصور کرد. میل عمومی غالب کشورها بر این است که جرائم اجتماعی را در عداد جرائم عمومی بیاورند.

در ۱۸۹۳ و ۱۹۸۴ در فرانسه نسبت به آثار شیستها قوانین استثنائی بتصویب رسید که طبق آن اقدامات تبلیغی آنها از قبیل تحریک باعصاب عمومی جرم عمومی شناخته میشود و مؤسسه حقوق بین‌المللی در ۱۸۹۲ در ژنو تصمیم زیر را اتخاذ کرد: و جرائمی که بر ضد مبانی هر گونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب میشود و هدف آن يك کشور معین و یا شکل خاص حکومت نباشد جرم سیاسی محسوب نمیشود.

رویه قضائی فرانسه تبلیغات اشتراکی را مشابه تبلیغات آثار شیستی که طبق قوانین فوق‌الذکر جرم عمومی محسوب میشود دانسته است.

تروریسم (۱) - تروریسم از زمان قتل پادشاه یوگوسلاوی که افکار جهانی را شدیداً متأثر کرده بود از امور جاریه جالب توجه میباشد. مظاهر خارجی آن با جرائم عمومی فرق ندارد ولی هدف آن ممکن است گاهی سیاسی باشد و خصائص آن از قرار زیر است:

۱ - غالباً از طرف دسته‌ای که بین‌المللی هستند صورت میپذیرد و بهمین جهت مؤثر واقع میگردد.

۲ - وسائلی بکار برده میشود که در همه جا هول و وحشت ایجاد میکنند مانند انفجار و انهدام راه‌ها و سدها و مسموم ساختن آب آشامیدنی و اشاعه امراض مسری

۳ - تروریسم همیشه برای عموم ایجاد خطر میکند.

در قانون جزای ۱۹۳۲ لهستان و قانون جزای ۱۹۳۳ دانمارک مقررات خاصی

راجع به تروریسم تنظیم شده است.

در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ پیمانی برای جلوگیری و مجازات بین‌المللی تروریسم منعقد شد و در همانروز موافقت نامه راجع به تأسیس يك ديوان جنائی بین‌المللی برای رسیدگی باین جرم بامضا رسید.

در صدر پیمان مزبور تروریسم بنحویزیر تعریف شده است :

«تروریسم عبارت از اعمال جنائی است که برضد کشوری صورت میگیرد و هدف عامل آن ایجاد هراس در نزد اشخاص و یا دستجات معین و یا در بین عامه میباشند. اجرای این پیمان منوط به تصویب آن از طرف کشورهای مختلف است.

اقدامات جنائی برضد امنیت خارجی کشور - باینکه تعریف جرم سیاسی که فوق‌آبان اشاره شد کاملاً بر جرم اقدامات جنائی برضد امنیت خارجی کشور منطبق میگردد و در اثر ارتکاب آن حیات کشوری بوادی خطر سوق داده میشود و علی‌القاعده مرتکبین آن باید از مزایای جرم سیاسی متمتع شوند بواسطه انگیزه پستی که دارند آنانرا از قضاوت اغماض آمیز نسبت به مجرمین سیاسی محروم ساخته‌اند. احساسات بغض آمیز نسبت باین قبیل مجرمین به نسبت فزونی حس وطن پرستی توسعه یافته است روز افزونی تسلیحات و تجهیزات ممالک برای حفظ ملیت خود و یا اعتلاء آن موجب تشدید مجازات آنان گردیده است.

در فرانسه قانون ۱۹۳۴ راجع به جاسوسی و قانون ۱۹۳۸ برخلاف ماده ۷۴ قانون جزای آن کشور مجازاتهای جرائم عمومی را در مورد جرم جاسوسی تجویز کرده‌اند. قانون ۲۹ ژوئن ۱۹۳۹ نیز يك معنای فضائی برای جرم جاسوسی و خیانت قائل شده است طبق این قانون خیانت، به تخلف فرانسوی از وظیفه وفاداری که ملیت او آنرا ایجاب میکند اطلاق میگردد در صورتیکه جاسوسی مربوط به تبعه خارجی میشود. مقنن اقدامات جنائی برضد امنیت خارجی کشور را عبارت از جاسوسی و خیانت دانسته و آن را از جرائمیکه به امنیت خارجی کشور زیان کمتری وارد می‌آورد تفکیک نموده است در مورد جرائم دسته دوم ملیت مرتکب در نظر مقنن بدون اهمیت

است. بنابراین راتب بالاد در فرانسه جرائم مربوط به امنیت خارجی کشور بسته دسته تقسیم شده است:

اول - جرم خیانت که مربوط به فرانسوی است.

دوم - جرم جاسوسی که باید از طرف خارجی ارتکاب شود.

سوم - دستبرد با امنیت خارجی کشور که ممکن است فرانسوی و یا خارجی مرتکب آن شوند. قوانین فوق الذکر اعمالی را که مشمول هر یک از این سه عنوان میشود معین کرده است.

پس از جنگ دوم جهانی برای مجازات اشخاصیکه از اوان ژوئن ۱۹۴۰ تا موقع رهائی فرانسه از قید اسارت، با آلمانها همکاری کرده بودند جرم جدیدی با نام «ناشایستگی ملی» (۱) وضع گردید، ناشایستگی ملی یک جرم جنائی محسوب و مجازات آن یک سلسله محرومیتها از حقوق عمومی و سیاسی میباشد. محکومیت فرانسوی از لحاظ ناشایستگی ملی موجب نخواهد شد که از مجازات فرد فرد اعمال و یا مجموع اعمالیکه جرم ناشایستگی ملی را تشکیل داده و جرم خاصی طبق قانون جزا محسوب میشود معاف گردد.

در سنجش تقصیر متهم قضاة تا حدی آزادی دارند به علاوه اگر اشخاصی پس از همکاری با آلمانها در آغاز امر در اثر عملیات جنگی بعدی علیه آلمان و یا شرکت در مقاومت ملی جلوه کرده و ممتاز شوند ممکن است مورد عفو قرار گیرند و با عاده شایستگی ملی نائل گردند.

خصیصه جرم ناشایستگی ملی قابلیت انعطاف آن میباشد و از این لحاظ با جرم دستبرد به امنیت خارجی کشور بصورتی که اخیراً پیدا کرده شبیه میباشد. در حقیقت هر دو جرم بجرائمی اطلاق میشوند که قبح اجتماعی آن متوسط میباشد و بدفع ملی زیان و خسران وارد میآورد ولی از لحاظ مجازات با یکدیگر متفاوت میباشد زیرا مجازات دستبرد به امنیت خارجی کشور عبارت از مجازاتهای محروم کننده از آزادی است و مجازات ناشایستگی ملی عبارت از مجازاتهای محروم کننده از حقوق

عمومی و سیاسی است که جنبه فضااحت آمیز آن بیشتر میباشد. مجازات‌های محروم کننده از حقوق عمومی و یا سیاسی بیشتر متناسب با نوع جرم و هدف سیاسی مورد نظر مقنن است به علاوه مجازات‌های محروم کننده از حقوق عمومی و سیاسی موجب شده است که اثر عطف شونده آن به سابق به سبب سهولت قابل قبول گردد.

بنابراین با مشاهده می‌شود که در اثر تحولات جدید طبقه جرائم کاملاً سیاسی بتدریج کم شده است و فعلاً جرم سیاسی با اقدامات تبه کارانه‌ای اطلاق میشود که بر ضد امنیت داخلی کشور صورت می‌گیرد از این قبیل است اقدامات بر ضد شکل حکومت و طرز عمل قوای سیاسی و استقاده آزادانه از حقوق سیاسی و جرم تقلب در انتخابات و جرائم مطبوعاتی و جرائم مربوط با اجتماعات.

با قدرت طلبی و استعمال حکومتها ممکن است این بقایای جزئی عهد آزادی - خواهی سابق نیز بتدریج رو بزوال رود.

بخش سوم

در لحظات مختلفه و متوالیه ارتکاب - فرض علمی شروع بجرم

دوره نشوونمای جرم - جرم وقتی مهم باشد و مباشر آن هم بدوی، در يك لحظه واقع نمیشود بلکه انجام آن از يك سلسله امور معرفت النفسی و مادی که مدتی دوام دارد منتج میگردد و در اینصورت مباشر جرم برای ارتکاب آن مراحل را میپیماید. عموماً وقوع جرم در سه مرحله صورت میپذیرد. در مرحله اول که مرحله معرفت النفسی است فکر ارتکاب جرم ناگهان بخاطر تبه کار خطوط میگذرد و تصمیم بر ارتکاب آن میگیرد. در مرحله دوم که مرحله مقدماتی است آلات و ادوات جرم تهیه و جمع میشود. در مرحله سوم که مرحله اجرای قاعده جرم بوقوع میپیوندد.

مسئله شروع به جرم و موقع مداخله مقامات جزائی - اگر مباشر جرم قبل از پایان عمل تبه کارانه خود بازداشت شود مسائل مختلفه ذیل پیش میآید که برای قطع و فصل آن باید راه حلی اندیشید:

۱ - آیا مسئولیت مجرمی که در اثر بازداشت اقدامات تبه کارانه او ناتمام میماند بهمان درجه است که اقدامات او با تمام رسد و جرم انجام پذیرد؟

۲ - از کدام لحظه، مرحله شروع بجرم قابل تعقیب، آغاز میشود.

برای حل ایندو مسئله دو نظر متضاد ابراز شده است: نظر بیرونی و نظر درونی طبق نظر بیرونی با مورد خارجی مخصوصاً با غتشافات و اختلالاتی که از جرم ناشی میگردد خیلی اهمیت داده میشود و مجازات مقرره باید متناسب باشد با خللی که به نظم اجتماعی وارد میگردد و بطور کلی این همان نظری است که از طرف مکتب نشوونمای کلاسیک ستوده شده است.

در مقابل نظر بیرونی نظر درونی که از مکتب تحقیقی تراوش کرده عرض وجود نموده است. زعمای مهم این مکتب، اعمال خارجی را پیوسته مظهر يك شخص جنایتکار

میدانند و نسبت به خدای که به نظم جامعه و آرد میآید زیاد اهمیت نمیدهند. زیرا صدور اعمال مقدماتی میسرساند که مواجه با جنایتکاری شده اند که اگر امروز در اثر بازداشت او جرم واقع نشده و بالنتیجه نظام اجتماعی بهم نخورده است در آتیه حتماً مرتکب جرم خواهد شد. روی این منطق مجازات او باید به همان شدت مجازات جرم انجام شده باشد.

سوابق تاریخی - در حقوق قدیمی فرض علمی درونی بیشتر مورد توجه بوده است در آن موقع جرائم را به جرائم مدهشه (۱) و جرائم غیر مدهشه (۲) تنسیم کرده بودند جرائم مدهشه جرائمی بودند که برای نظم اجتماع بغایت خطرناک بنظر میآمدند مانند جرائم ارتكابی بر ضد سلطان و یا امنیت کشور و جرم پدر کشی و غیره. مجازات شروع بجرم در این قبیل جرائم بهمان شدت مجازات انجام یافته بود. نسبت بجرم غیر مدهشه دو نوع شروع قائل بودند یکی شروع اعمال مقدماتی خیلی دور از مقصد مجرم (۳) و دیگر شروع اعمال مقدماتی خیلی نزدیک به نتیجه حاصله از جرم (۴) و فقط شروع قسم اخیر قابل تعقیب و مجازات بود.

در زمان انقلاب کبیر فرانسه برعکس، فرض علمی بیرونی رجحان داشت و برای تعیین طبع و شدت مجازات همیشه اعمال خارجی مرتکب مطمح نظر بود. قانون جزای ۱۷۹۱ غیر از دو جرم قتل و مسموم ساختن در سایر جرائم اساساً شروع را غیر قابل تعقیب میدانسته است. این اغماض فوق العاده موجب سستی و عدم نفوذ مجازات گردید و بهین ملاحظه بعداً قوانینی بتصویب رسید که طبق آن شروع جنایات مطلقاً و شروع بعضی جنحه ها قابل تعقیب گردید.

قانون مجازات عمومی ایران در ماده ۲۰ راجع به مجازات شروع بجرم چنین مقرر میدارد: هر گاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع باجرای آن بنماید ولی بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مدخلیت نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند و جنایت منظوره واقع نشود مرتکب بعداقل مجازاتی که بنفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب بحبس غیر دائم با مشقت محکوم میشود. از این ماده چنین مستفاد میشود که مقنن بین سیستم بیرونی و سیستم

1- Atroces .

2- Non atroces .

3- Le conatus temotus .

4- Le conatus proximus .

درونی حد وسط را قائل شده است زیرا از يك طرف طبق سیستم درونی مجازات مرتکب باید بهمان شدت مجازات جرم انجام یافته باشد در صورتیکه ماده ۲۰ این حق را از قاضی سلب کرده و در تعیین مجازات او را مکلف کرده از حداقل تجاوز نماید و در جرائمی که مجازات آن اعدام است ناگزیر است فقط یکدرجه تخفیف دهد از طرف دیگر طبق سیستم بیرونی مجازات باید باخلملی که به نظم اجتماعی وارد میگردد متناسب باشد در صورتیکه مجازات پیش بینی شده در ماده ۲۰ زائد بر میزان خلملی است که به نظم اجتماعی وارد میشود زیرا در شروع بجرم چون جرمی بوقوع نیبوسته زبان اجتماعی آن تهی و یا خیلی ناچیز است .

اعمالیکه قبل از شروع بجرم ارتکاب میشود برای مرتکب مسئولیتی ایجاد نمیکند و فقط در موارد استثنائی از قبیل دسته بندی ، اعمال مقدماتی آن طبق ماده ۷۲ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب میباشد . ماده ۲۱ قانون مجازات عمومی راجع به عدم قابلیت تعقیب اعمال مقدماتی چنین مقرر میدارد : « مجرد قصد ارتکات جنایت یا تهیه بعضی مقدمات جزئیة آن شروع محسوم نمیشود » .

فروضی که از طرف قانون پیش بینی نشده است - مقنن فراموش کرده است فرض ذیل را پیش بینی نموده تکلیف آنرا معین کند .

- ۱ - بطوریکه فوقاً اشعار گردید شروع بجرم متضمن عملیات اجرائی است که بواسطه موانع خارجی که اداره فاعل در آن مدخلیت نداشته قصد مجرم معلق یا بدون اثر ماند و ای اگر مجرم عملیات اجرائی را کاملاً انجام دهد و بواسطه موانع خارج از حیطه اقتدار او عملیات مزبور بلا اثر و بعبارة آخری عقیم ماند قانونگذار تکلیف آنرا معین نکرده است مثل اینکه شخصی بطرف کسی شلیک کند و بواسطه عدم مهارت تیر باو اصابت نکنند در این فرض برخلاف فرض شروع بجرم عملیات اجرائی کاملاً انجام شده نهایت اینکه منظور مجرم بواسطه عدم مهارت بیحاصل شده است بعبارة آخری در فرض شروع بجرم جرم معلق میشود در صورتیکه در این فرض جرم عقیم مانده است .
- ۲ - ممکن است عملیات اجرائی کاملاً انجام یابد و نتیجه مضره که از ارتکاب

جرم حاصل میشود صورت پذیرد ولی مرتکب با اراده خود آنرا ترمیم و تدارك نماید
 در این فرض آیا مرتکب مستوجب تحمل مجازات مقرره از طرف قانون میباشد ؟
 در این بخش از سه موضوع ذیل بحث خواهد شد .

شروع بجرم .

جرم عقیم .

جرم انجام یافته .